

الدَّرسُ الثَّالثُ: درس سوم ص 32 و 33

- عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَات

شگفتی های آفریده ها

- تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ

در آفرینش بیندیشید و در آفریدگار نیندیشید.

- مَنْ يَتَفَكَّرْ فِي خَلْقِ اللَّهِ يُشَاهِدْ قُدْرَةَ اللَّهِ.

هرکس در خلقت خداوند تفکر کند قدرت خدا را می بیند.

الطَّائِرُ الطَّنَّانُ. مرغ مگس خوار

- هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ

او کوچک ترین پرنده در زمین است.

- طُولُهُ خَمْسَةُ سَنْتِمِاتٍ

طولش 5 سانتی متر است.

- يَطِيرُ إِلَى الْأَعْلَى وَالْأَسْفَلِ

به بالا و پایین پرواز می کند.

- وَإِلَى الْيَمِينِ وَالشَّمَالِ

و به راست و چپ

- وَإِلَى الْأَمَامِ وَالْخَلْفِ

و به جلو و پشت.

وَإِنْطِلَاقَهُ وَتَوَقُّفُهُ السَّرِيعَانِ يُثِيرَانِ التَّعْجُبَ.

حرکت و توقف سریعش تعجب را برمی انگیزد. (مایه شگفتی می شود).

- سُمِّيَ طَّنَّانًا

طنین انداز نامیده می شود.

- لِأَنَّهُ يُحْدِثُ طَنِينًا بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَةِ جَنَاحِيهِ

به علت سرعت حرکت بالهایش صدای پدید می آورد.

- فإن تُحاول رُؤيةً جناحيه لا تقدر، أ تدرى لماذا؟ لأنه يُحرِّكُ جناحيه ثمانين مَرَّةً تقريباً في الثانية الواحدة.

و اگر سعی کنی بال هایش را ببینی نمی توانی . آیا می دانی برای چه ؟ زیرا او بالهایش را هشتاد مرتبه در یک ثانیه حرکت می دهد.

التمساح: تمساح

- له طريقةٌ غريبةٌ في تنظيف أسنانه.

روشی عجیب در نظافت دندانهاش دارد.

- فبعد أن يتناولَ طعامه يستريحُ على الشَّاطي

پس بعد از اینکه غذایش را می خورد استراحت می کند بر ساحل

- فيقتربُ منه نوعٌ من الطيور باسمِ الزَّقزاقِ

پس نزدیک می شود به او نوعی از پرندگان به اسم زقزاق

- فيفتح التمساح فمه فيدخل ذلك الطائر فيه

پس باز می کند دهانش را پس داخل می شود آن پرنده در آن

- و يبدأ بنقربقايا الطعام من فمه وبعد أن ينهي من عمله يخرجُ بسلامة.

و شروع می کند به نوک زدن به باقیمانده های غذا از دهانش و بعد از اینکه کارش تمام شد با سلامت خارج می شود.

السمك الطائر: ماهی پرنده

- نوعٌ من الأسماك يقفزُ من الماء بحركةٍ من ذيله القويّ ويطيرُ فوق سطح الماء

نوعی از ماهی است با حرکت دم نیرومندش می جهد و بر فراز سطح آب پرواز می کند.

- حيثُ يمدُّ زعانفه الكبيرة التي تعملُ كجناحين.

طوریکه باله های بزرگش را که مانند دو بال عمل می کنند می کشد.

- يفعلُ ذلك للفرار من أعداده . يطيرهذا السمك خمساً وأربعين ثانيةً .

آن کار را برای فرار از دشمنانش انجام می دهد. این ماهی 45 ثانیه پرواز می کند.

- ثُمَّ يَنْزِلُ إِلَى الْمَاءِ وَيَدْخُلُ فِيهِ.

سپس به سمت آب فرود می آید و در آن وارد می شود.

نقارالخشب: دارکوب

- طَائِرٌ يَنْقُرُ جَذَعَ الشَّجَرَةِ بِمَنْقَارِهِ عَشْرَمَرَّاتٍ فِي الثَّانِيَةِ عَلَى الْأَقْلَى

پرنده ای است که تنه درخت را با نوکش دست کم ده بار در ثانیه نوک می زند.

- وَهَذِهِ السَّرْعَةُ لَا تَضُرُّ دِمَاغَهُ الصَّغِيرَ بِسَبَبِ وَجُودِ عُضْوَيْنِ فِي رَأْسِهِ لِدَفْعِ الضَّرْبَاتِ:

و این سرعت به مغز کوچکش آسیب نمی زند.

- بِسَبَبِ وَجُودِ عُضْوَيْنِ فِي رَأْسِهِ لِدَفْعِ الضَّرْبَاتِ.

به علت وجود دو عضو در سرش برای دفع ضربات

- الْأَوَّلُ نَسِيْجٌ بَيْنَ الْجَمِجِمَةِ وَالْمَنْقَارِ وَالثَّانِي لِسَانُ الطَّائِرِ الَّذِي يَدْوُرُ دَاخِلَ جَمِجِمَتِهِ.

اول بافتی بین جمجمه و نوک و دوم زبان پرنده که داخل جمجمه اش می چرخد.

السَّنَجَابُ الطَّائِرُ : سنجاب پرنده

- لَهُ غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ يَفْتَحُهُ حِينَ يَقْفُزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى وَيَسْتَطِيعُ أَنْ يَطِيرَ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ وَخَمْسِينَ قَدَمًا فِي قَفْزَةٍ وَاحِدَةٍ.

پوست خاصی مثل چتر دارد که آن را بازمی کند هنگامی که می پرد از درختی به درخت دیگر و می تواند که پرواز کند بیشتر از 150 متر در یک پرش.

حیة الصحراء: مار بیابان

- فی منتصف النهار وعندما تحرق الرمال أقدام من يسير عليها من شدة الحر تضع هذه الحية ذنبها في الرمل ثم تقف كالعصا. فإذا طير عليها تصيده.

در نیمه روز وهنگامی که شن ها پاهای کسانی که بر روی آن راه می روند را از شدت گرما می سوزاند مار دمش را در شن قرار می دهد سپس مثل عصا می ایستد پس هرگاه پرنده ای بر روی آن قرار گیرد او آن را شکار می کند.

قرار بده در جای خالی کلمه مناسب بر حسب متن درس: ص 34

1. سنجاب پرنده با چه چیزی پرواز می کند هنگامی که از درختی به درختی می پرد؟ بالغشاء الخاص كالمظلة
2. کدام پرنده به تمساح کمک می کند در نظافت دندانهایش؟ الزقزاق
3. برای چه مرغ مگس به این نام نامیده می شود؟ لأنه يحدث طينياً بسبب سرعة حركة جناحيه.
4. چه وقت مار بیابان پرنده را شکاری کند؟ إذا وقف طير عليها تصيده.
5. چند ثانیه ماهی پرنده پروازی کند؟ خمساً وأربعين ثانية.
6. کوچکترین پرنده روی زمین چیست؟ طائر الطنان

خودت را آزمایش کن. آیات را ترجمه کن سپس تعیین کن ادات شرط، فعل شرط و جوابش را. ص 37

۱. وما تقدّموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله. آنچه از خوبی برای خودتان پیش می فرستید آن را نزد خدا می یابید.

ادات شرط: ما فعل شرط: تقدّموا جواب شرط: تجدوه

۲. إن تنصروا الله ينصركم ويثبت أقدامكم. اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می کند و قدمهایتان را ثابت می کند.

ادات شرط: إن فعل شرط: تنصروا جواب شرط: يثبت

۳. وإذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً. وهرگاه نادانان آنان را خطاب کنند سخنی آرام گویند.

ادات شرط: إذا فعل شرط: خاطب جواب شرط: قالوا

حوار: گفتگو (در باشگاه ورزشی) ص 38

اسماعیل

بیا به باشگاه برویم .

برای مشاهده مسابقه فوتبال

بین گروه صداقت و سعادت

آیا آن را به یاد می آوری ؟

هر دو قوی هستند.باید به باشگاه برویم

قبل از اینکه از تماشاچیان پر شود.

در باشگاه

نگاه کن ؛ یکی از مهاجمین گروه

صداقت آمد. گلی ثبت خواهد کرد.

ولی داور گل را قبول نکرد .چرا؟

نگاه کن حمله قوی از طرف بازیکن

گروه صداقت

اسماعیل

چه کسی به نهایی می رود؟

داور سوت می زند.

ابراهیم

برای مشاهده کدام مسابقه ؟

بین چه کسانی است این مسابقه ؟

دوگروه هفته پیش برابر شدند

کدامیک از دو گروه قوی تر هستند؟

چشم .بیا برویم

او به دروازه بان گروه سعادت حمله کرد .گل گل

به علت اینکه آفساید است.

واقعا از دروازه بان گروه سعادت خوشم میاد!

ابراهیم

هرکسی گلی را ثبت کند به نهایی می رود.

باردوم بدون گل مساوی کردند.

التمرین الأول: أی کلمة من کلمات معجم الدرس تناسب التوضیحات التالیة؟ از ص 39 تا ص 41

کدام کلمه از کلمات لغتنامه درس مناسب توضیحات زیر است؟

1. أداة لحفظ الإنسان امام اشعة الشمس أو نزول المطر أو الثلج: وسیله ای برای حفظ انسان در امام اشعه خورشید یا بارش باران یا برف (المظلة = چتر)
2. طائرٌ ينقرُ جذوع الأشجار ويصنعُ عَشًّا فيها. پرندهای که به تنه های درختان نوک می زند ولانه ای در آن می سازد. (نقارُ الخشب)
3. ترابٌ جنبَ شاطئ البحر أو في الصحراء. خاکی کنار ساحل دریا یا بیابان. (رمل = ریگ)
4. حیوانٌ یمشی علی بطنه. حیوانی که بر شکمش راه می رود. (حیة = مار)
5. عضوٌ یطیرُ به الطائرُ. عضوی که با آن پرنده پرواز می کند. (جناح = بال)

التمرین الثاني : ص 39 و ص 40

عبارات زیر را ترجمه کن سپس نقش کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده است را مشخص کن.

1. دندان های کوسه ماهی همیشه می افتد و دندان های جدیدی در جایش رشد می کند و در بعضی انواع هزاران دندان در یک سال رشد می کند.
أسنانُ: فاعل ومرفوع - جدیدة = صفت
2. به شمار می رود نهنگ آبی از بزرگترین موجودات زنده در جهان. طولش به سی متر می رسد و وزنش به 170 تن تقریباً.
ازرق: صفت العالم = مجرور به حرف جر
3. تمساح هنگام خوردن شکارش گریه نمی کند بلکه هنگامی که شکاری بزرگتر از دهانش می خورد چشمانش مایعی ترشح می کند که گویی آن اشک است.
التمساحُ: مبتدا ومرفوع - فریسة = مفعول ومنصوب - سائلاً = مفعول
4. لهجه های یک نوع از پرندگان یک منطقه با منطقه دیگر فرق می کند.
الطیور: مجرور به حرف جر - منطقة = مجرور به حرف جر
5. دانشمندان انواع موجودات زنده در دریا های جهان را به میلیون ها برآورد می کنند.

ب : تعیین کن فعل متعدی از این افعالی را که در جمله های پیش آمده است: ص 41

تسقطُ = می افتد: لازم - يأكل = می خورد متعدی- تختلفُ: مختلف است = لازم - يُقدِّرُ = برآورد می کند متعدی

التمرین الثالث : قرار بده مترادف و متضاد را در جای مناسب .

یدری = یعلم = می داند	ینتهی ≠ یبتدی = تمام می شود ≠ شروع می شود
یضحکُ ≠ یبکی می خندد ≠ گریه می کند	المُسَابَقَةُ = المباراة = مسابقه
یضُرُّ ≠ ینفَعُ ضرر می رساند ≠ سود می رساند	نسی ≠ تذکر فراموش کرد ≠ به یاد آورد
اليسار ≠ اليمين چپ ≠ راست	الشَّمَالُ ≠ اليمين چپ ≠ راست
الأموات ≠ الأحياء مردگان ≠ زندگان	أعلمُ = أدري می دانم
الصِّدَاقَةُ ≠ العداوة دوستی ≠ دشمنی	الحسن ≠ السيِّءُ خوب ≠ بد
التَّقَرُّبُ ≠ الإبتعاد نزدیکی ≠ دوری	العدوُّ ≠ الصِّديق دشمن ≠ دوست
الأسفل ≠ الأعلى پایین ≠ بالا	الصَّالَةُ = القاعة سالن
سكتَ ≠ تكلمَ ساکت شد ≠ صحبت کرد	الجلوسُ ≠ القيام نشستن ≠ بلند شدن

التمرین الرابع : کامل کن ترجمه آیات و حدیث را سپس تعیین کن ادات شرط فعل شرط و جوابش را .

1. انجام دهی

ادات شرط : ما فعل شرط: تفعلوا جواب شرط : یعلم

2. نیکی می کنید

ادات شرط : إن فعل شرط : أحسنتم جواب شرط : أحسنتم

3. قرار می دهد

ادات شرط : إن فعل شرط : تتَّقوا جواب شرط : يجعل

4. جواب می دهد

ادات شرط : من فعل شرط : سأل جواب شرط : أجاب

5. زیان درو می کند

ادات شرط : من فعل شرط: زرع جواب شرط: حصَدَ

التمرین الخامس: ترجمه کن افعال را در جمله های زیر ؛ سپس نوعش و صیغه اش را مشخص کن. ص
44

1. لا تکتب علی الآثار التاریخی. روی آثار تاریخی ننویس

لا تکتب: فعل نهی / للمخاطب

2. الفریقان یتعادلان مرّة ثانیة. دو گروه بار دوم مساوی شدند.

یتعادلان : فعل مضارع / للغائبین

3. إمتلأ الملعبُ بالمتفرّجین : باشگاه از تماشاچیان پر شد.

إمتلأ: فعل ماضی / للغائب

4. رجاءً، فکّروا قبلَ الكلام. لطفاً تفکر کنید قبل از صحبت کردن .

فکّروا : فعل امر / للمخاطبین

5. إني سَجَلْتُ هَدَفین. قطعاً من دو گل ثبت کردم .

سَجَلْتُ: فعل ماضی / متکلم وحده